

شکر فرانس بود باز مصاحبه شد قدری از محاللات روسیه
و نصف ولایات پریشیه ضمیر فرانس گشت در سنه هزار و
دویست و هشتاد و چهار مجدداً نزاع انجامید از جانبی امپراطور
اعظم و از سمتی امپراطورینا شکست بر شکر مناسا افتاد
هزار مقتولین معرکه نبرد هشت هزار نفر اسیر گردید و وینا پاتخت
مناسختر شد مجدداً مصاحبه شد مال المصاحبه و مره لویا خانم
شاهزاده منسار اگرف و اغلب ممالک آستیره و مناسختر
فرانس گشت تاج بخشی کرد پاتخت و باقی ممالک را با امپراطورینا و
منو و اغلب و اکثر از ممالک فرانکستان را بحیط تصرف آورد
و از منصوبان یا چاکران خود در آنجا سلطنت نصب گرداناد سنه
هزار و دویست و هشتاد و هفت پنجم ممالک روسیه
با استعداد نام و احتشاد و مالا کلام باین تفصیل افواج سواره و پیاده

پانصد و نه هزار و هشتصد نفر توب جلو و قلعه کوب هزار و
دویست عراده قورخانه و آذوقه و ملبوس لشکر و باج حاج شفا خانیت
هزار عراده اسب توخانه و سواره نظام دویست هزار
راس کما و عراده کش میثاد هزار و دویست مجاوله قدم کز
بلاد عرض راه شکر فرانسه را سوختند و از آبادی اشری نگذاشتند
تا در سیف سخی مسکو که پاتخت قدیم روس است نزاعی عظیم و قشد
روسیه هزیت نمودند امیر اطور با پیون در اصل شهر مسکو شد
شهری سوخت و محروبه دید لا علاج چندی توقف فرمود بسبب
عدم آذوقه و سیورسات معاودت نمود و بجهت عدم آذوقه
و شدت سرما و زیاد برف قریب سیصد هزار لشکرش بطرف
با احوال نیک بدوی ضعیف بقیه لشکر را سبر واران سپرد و خود
با دوسه نفر از مخصوصان به پاتخت ماریس معاودت نمود و سلاطین

معاینه متفقہ مجال مذاوند بالاجماع دامن بخت بر میان رودند
و کمر مجاوله و مجاریه را شک بستہ از اطراف چون بگردن خار به جنبش
در آمدند امیر اطور اعظم بہمال با وجود خسارت نیشمار لا علاج
ایشانرا استقبال کرد و ای مقدمہ در سوال ہزار و دویست
بیت و بشت بود و دویست و چهل ہزار عساکر سلاطین متفقہ
و یکصد و شصت ہزار لشکر فرانسہ مجاریہ افتد ام نمودند
بعد از کوشش زیاد ہزرت نصیب لشکر فرانسہ ہا ہشتاد
ہزار نفر از طرفین مقتول شد شصت و پنج غزادہ توپ و چند
شقہ علم از فرانسہ بدست عساکر متفقہ آمد و در حقیقت سبب این شکست
غیانت ہفتادہ فوج لشکر کسانہ بود کہ در تحت لوای امیر اطور اعظم
بودند و در جن مجاریہ فرار نموده بعدا کہ متفقہ متفق شدند در پرت
الثانی سال بعد سلاطین متفقہ وارد پاریس شدند و پادشاہ

قدیم فرانس را آوردند و بر مسند فرما ندی نشاندند
و جزیره اسپر اگر هزار ایتالیا است بجهت کونت امیر طور
ناپیون معین ساختند و امیر طور با برخی از خواص و قلیع همراه
قراول که من حیث المجموع هزار نفر رسید جزیره اسپر رسید ساکن گردید
قریب بیازده ماه مدت توقفش در آنجا طول کشید تا آنکه خجارت
اختلال و اختلاف مملکت فرانس را شنید و میل طابع اهل ملک را
نسبت بخود دانست و تمسید با معادل هند را نفر و بیفت
فرزند هزار بزرگ و کوچک سوار و مراجعت مملکت فرانس نمود
شهر و قصبه که عبور میفرمود و طریقه اطاعت و چاکری از آنجا آنگاه بود
بیرسید جویش کار نظام که بصلب شوارع و منع دخول غیر بدون حکم
دولت مملکت مامور بود و بدین معنی مجاود و مجاریه استقبال نمود
امیر طور اعظم چون آنقدر را شنید قلیل جمعیت خود را توقف نمود

کردانید باد و لشکر سواره خود را غفلت با فواج خصم گسخت
و عیبای قتال بودند رسانید آنها را مخاطب ساخت که
این مردان جزار رشید هر یک از شما که میل بقتل من دارد
اینک حاضرم اقدام کنید از استماع این کلمات بکلی نماند
از دست گذاشته و کلا هر از سر برداشتند صدای ایستاد
مانده باد و در و لبتش مانیده بنگر رسانیدند بهین طریق بر فوج
که به نعت ما میگویند ببا بعت میکردند پادشاه سابق فرار و ایستاد
عظم مرتبه بعد از غزوی بر اریکه سلطنت بر تدرار آمد ملوک متفق
مخص استماع این احبار بلا تا خیر و اقبال معادل دو گروه
شکر انجام چون بجز خازان اطراف ممالک فرانس حملد و
کردیدند امپراطور عظم درین یکدوماه مراجعت بقدر مضید
جمیت و سید عراده توب موجود و فرانس هم نموده بود

روی با استقبال جسم نهاد بروی از سپاه لسمتی با مورز مورد
 خود بافتون رکاب در مکان موسوم بواتر لوقبتون دولت
 انگریز و بر دستش که سردار ایشان دیوگ و نیکتون و منزل
 بگو خیز بود بجای به و مجادله افتد ام فرمود چون هر متبالی را
 زوال مقرر است بعیش باطل وجد و جهدش حاصل گشت
 مقرر است که هر چیز چون بدیکال بود بر آید اورا زینت زوال
 لا علاج رخ بر تافت و منفرد آید با پارس شتافت اعیان
 محکمت بجای لغتش برخواستند و استعفاش از سلطنت خواستند
 استعفا نمود ملک و مال منسوب و عیال را و اداع کرد و از
 پاریس به بنا در غرب فرانسه رفت و بعزم انگلستان و ملاقات
 و بعهد دولت ایشان منضم شد در چهارزد دولتی انگریز بهشت
 نفی از مخصوصان و خدمتکار سوار گشت و ما نکلتان در

دیوگ
 لغت است که عادی
 میر کو بند
 بر خیز
 بر سر در است

امنا در دولت انحریر چون از نیجالت اطلوع یافتند بجنگاش
ومشاورت شافتند عاقبت خاک نامردی و سپهر و تن
بر فرق خود بختند و مجبوساً بجزیره سنت طینه اش فرستادند
قریب شش سال در آن جزیره بود تا آنکه در سنه هزار و سیصد
شش و فاش روی نمود دیگر از ممالک اورپا مملکت دولت
روسیه است که بحسب وسعت بزرگترین ممالک ربع مکه است
و بنی الاصفه مقصود ایشانند طول و عرض مملکتی که در حقیقت
آسیا دارند ذکر شد مملکت اروپا و آنها تخمیناً پانصد و
بست فرسخ طول و سیصد و سی فرسخ عرض دارد و صد و
سی کرو فرسوس درین ممالک اروپا و آسیا سکونت
دارند بمقتضی و چهل هزار شکر و هشتاد کروم و سیصد و
ولایتی ایندولتت یکصد و هشتاد و فرزند چهار خنیا و دو هزار

فروند چهار تجارتی ایشانست دوست و پناه و دو کر و رون
قرض دولتی آنها را معین نموده اند تا تحت قدیم سکوات که پیش
شصدهزار روپای تحت جدید که تقریباً یکصد و چهل سالست
بجلیه آبادی آمده و از بناهای لطیفی که است سنت بطرز
کست تخمیناً سیصد و پنجاه هزار نفوس در آن ساکنست
و اطول یاب و ایامش هر مجده ساعت و نیمست و دیگر شهر
نوکور و ارگنجل و کیف و ریجا و وارسا و بندر ابو
و خازان پنج کور و وستا اریسا و کزنس است
و سوشاپل و در مملکت ایران که بقصرق دارند شهر تقنیس
و کتجه و سوشی و آبروان و بخوان و باکوبه و در بند و
و امیر اطور این مملکت الکسندر شاه بن نیکوسن بن یال بن بطر
سپهر است که قریب به پنجاه سالست که شاه با استقلال

مالک روستیه است و از احفاد پطیر کبیر است که در
سنه کیزار و صد و یک جاس سر ری سلطنت کردید
که شمس القلاوه اسید و دمان و در حقیقت اول سلطه
این خاندانست و از عمرش قریب پنجاه سال گذشت
و پسرش نیکوس که تقریباً هفتاد ساله است و بیست
و رودخانه های معروف ایندولت یکی دلتاست که
اعراب و ایرانیان اهل و در میان اردل میخوانند
و منسب آن لزولیت تور است که فیما بین مسکو و پطیر ^{کنت}
و در حواله حاجی ترخان بحر خرمشلی میشود قریب هفتصد
فرسخ طول دارد و رودخانه های دیگرش یور است
و رودخانه دآن و دینر و رودخانه مروث و رودخانه
تیمن و رودخانه ناک که در ملک سیر است که پانصد ^{سج}

منجا و زطول اوست و بحر خزر که ذکر شد موام در باسک
قزقم گویند و بحر مازندران و طبرستان نیز خوانند و
در سمت شمال ایندیر با حاجی ترخانست و در مشرق
دشت تاتار و ترکمان و در جنوب بلاد ایران و در مغرب
در بند و کوهستان قفقاز است و منتهای عرض آن
تخمیناً نو و فرسخ و طولش که از شمال جنوب باشد دو سبت
و پانزده فرسخ است سلاطین مصر و سید از قرار یک موزه این
نوشته اند از مقدار است یکمیل نبود و در روز تیز
و سه سال لکسیر پیرش سی و دو سال نبود و در دومش
سال ایوان چهارم و بطور اول معا سلطنت نموده اند
هشت سال بطور اول منفرد اسی و هفت سال کترین اول
زن بطور دو سال بطور دوم نواده بطور کبر سه سال آن دختر

برادر پطروده سال ایوان برادر و ازاده پطر کبیر کمال
ایله زابت دختر پطر کبیر بیت و دو سال پطر سیم
پسران شاه کتیرین دو مزن پطر سیم سی و پنج سال
پال سپر کتیرین دو م نخیال الکتند پسر پال بیت و نخیال
نیخو کس اول برادر الکتند رسی مبال سلطنت نمود

دیگر از مالک اروپا

مملکت و دولت انگریز یا انگلیس که هر دو صحیح و اطلاق
میشود از قرالات فرنگ در انتظام امور ملک دار
و اسخر ارج صنایع و بدایع باهوش و فرنگ در خدعه
و تدبیر و جمله و تدویر دارای سحر و نیزنگ میباشد
اصلاً مملکت بر دو جزیره بزرگ و چندین جزیره
کوچک رز مملکت فرانسه میباشد بنقده فرسخ

در سحر انگشنگ یک را کرپت بر زمین و دیگری ایستد و خونه

کرپت بر زمین صد و هشتاد فرسخ طول و نو و فرسخ تقریباً عرض دارد محتوی بر شهرها

عظیم و قصبات عالیات و قراهنیکو و جبال متعدده غیر مرتفع و رودخانهها

مستکاره که یک تمس است که او را تیمز گویند دیگر سورن و مدوین و غیره

انها تمس از وسط شهر لندن که دارالطشه است میگذرد هشتاد و فرسخ طول

است و رینه هزار و دویست و پنجاه و نه پا در زیر این رودخانه با تمام رسیدن ^{که تقریباً}

سیصد و شصت و پنج که عرض رودخانه و حواشی باشد طول و سی زرع

شصت و عمق پست راه دماغ ایاریه اکانه روشنائی آنجا با چراغ و شمشیر شمشیر

و و کرد و پول ایران منجارج آن شده در حقیقت از غزایب دنیا است که

از شهرهای بزرگ محسوبست دوره آن با سواد خارج شهر قریب و از ده فرسخ

جمیعت شهر چهار و دویست هزار است اطول پایا و ایاتش شانزده ^{عش}

مست و یک دقیقه است شهرهای معروف این جزیره پرستول و لیورپول

مختصر دین پرنیک هم ناریج مٹ پاریش پکٹ دین پ
ریش بل ادین برگ کلس کوز کر می ناک پش ابرین مدی پری
اما جزیره ایرلند و مغرب کریت پرین اشاق افاده نو فرنج طول جمل فرنج متجاوز
عرض دارد مسافت میان ایند جزیره سه فرنج بحراست پخت این جزیره دین
جمعیت دین دوست و ده هزار است و شهرهای مشهورش طفت و اورد
لندن دری کارگ پمپخت درین جزیره پنج رودخانه و چهار بحیره است
چندان کوه ندارد اما عدد جزایر کوچک متعلقه شست است که هر یک شین
هفت فرنج الی هشت فرنج طول و در چهار ایله فرنج عرض دارند و کمال عمور
و شهرهای آبادی میباشند جمعیت این جزیره عشره نجاه و هفت کرو شماره در او
اطول لیال و آبش از شانزده ساعت و نیم الی هفده ساعت و هفت
دولتست قومی و قاهر از سایر ممالک دنیای قدیم و دنیای جدید که امر
کونید ممالک متعدده و مواضع متکاثره اما بحال مستخر و بحیط تصرف در آورده اند

البته از خارج و داخل دو بیت پنجاه کرد و نفوس عیث و نوکر در آن تقریباً
 هشت هزار فرزند چهار تجارت و دیگر هزار چهل و یکی دولتی از هوا و بخار
 را مالک یکصد و نوکر و در ایران مایات و منافع ولایاتی آنها میشود و هر سال
 هشتاد هزار و دو بیت هفتاد و هجری سه هزار و هشتصد و شصت کرد و سیصد و هشتاد
 هزار و پانصد و شصت و پنجاه و شش مندر شده اند یکصد هزار قشون از هر
 اصل تقریباً دو بیت هزار از خارجی نوکر دارند غنم لشکر و راه ارباب
 ولایات فرمانستان چریک میکنند و موجب میدهند از قرار یک مورخین
 انگریز ضبط نموده اند استبدادی بند دولت و میدان شوکت از سه چهار صد و
 پنجاه و هشت هجرت از آن زمان به حال روز بروز بر حمت و دولت ایشان
 افزوده است از سنه مذکور الی یومنا هذا که سنه یک هزار و دو بیت و
 هفتاد و شش است سی و شش نفر از سلاطین و ملکه بر تخت دولت ایگز
 مستکن ملک انگریز درین ایام کوبین و مکتوریه است مدت عیث و دو سال

کوبین
 مستکن ملک

که پادشاه ممالک بختان هندوستان و غیره است که اکبرش پیش از او در
و بعد دولت سلاطین و ملکه های ساله دولت انگریز و ایام سلطنت شان
بدین تفصیل است و نیم اول بیت دو سال و نیم دوم پیش از او سه سال
پنجمی اول برادر و نیم دوم سی و هشت سال استغین خواهرزاده پنجمی
نوزده سال پنجمی دوم نواده پنجمی اول سی و یک سال ریچارد اول
پنجمی دوم ده سال جان برادرش هجده سال پنجمی پنجم پنجم
پنجاه و شش سال او و اول پنجمی دوم سی و شش سال او و دوم پنجمی
بیت سال او و نیم پنجم او و اول دو و پنجاه و یک سال ریچارد دوم پنجم
بیت و سه سال پنجمی چهارم پنجمی ریچارد دوم سی و نه سال پنجم
پنجم پنجمی ده سال پنجمی پنجم پنجمی پنجم پنجم سال او و چهارم بیت
دو سال او و پنجم پنجمی دو ماه و سی و نه روز ریچارد پنجم برادر
چهارم دو سال پنجمی پنجم بیت و پنجم پنجمی پنجم پنجمی پنجم

ادوار دهم پسرشش سال مری دختر مری هشتم سال ایزد است
 چهل و پنج سال همس اول پسر مری بیت و دو سال چارلس اول همس
 بیت و پنج سال ایزد بر ابرام و ریس انجمنش سال چارلس دوم پسر
 اول بیت و پنج سال همس دوم برادرش چهار سال ولیم سیم و مری
 همس معا سلطنت کرده اند سیزده سال آن دختر همس سیزده سال
 جارج اول پسر صوفیه که دختر ایزد است سیزده سال جارج دوم
 پسرش سی و چهار سال جارج سیم نوازه جارج دوم شصت سال جارج
 پسرش ایزده سال ولیم چهارم برادرش هفت سال کوزین و بطوریه که
 احوال ملکه انگلستان برادرزاده ولیم چهارم است
 و متصرف این دولت از مالک خارجه

زیاده از بر دولت اولاً هندوستان درهای و جزایر حواله و نزدیک هندوستان
 که معروف ترین آنها سیلانست که سرانندیب کوندور جنگلهای آنها داره

و فلفل و نارنج و غده و برنج و انجور و سایر حیوانات بعمل میاید و هر نوع میوه
که در هند و تانانت در جزیره فراوانست درخت مشهور انجزیره تانانت
که برگ آن بزرگ است که بجز برگ آن ده نفر آدم را سایه می اندازد و از
باد و باران حفظ میکند و جمعیت انجزیره تخمیناً دو و دو هزار است
طول جزیره تخمیناً هشتاد و پنج فرسخ و عرضش چهل و هفت فرسخ است و در
انال انجزیره نوعی از میوه است مردارید و با قوت سرخ و کبود و زرد در
جزیره بسیار است و جزیره سینگاپور است که تقریباً بیست و هفت
دارد و بندرگاه معتبر است و بندر عدن در ملک عنیت آن در افریقا
کب اف کوه بیست که در آخر جنوب افریقا است ولایت معبر و بی مطاش
و جمعیت آنجا زیاده از یکصد و پنجاه هزار است و کبیر سیرالون است و این ولایت مکر و حاصل
خیز است و جمعیتش زیاده از بیست هزار است و کبیر جزیره مریس است که در بحر هند
دوره انجزیره تخمیناً یکصد و بیست و پنج فرسخ و جمعیت اینها تقریباً یکصد هزار است و پانزده

جزیره را پرت نویس گویند که اطول لیل و ایامش سیزده ساعت و دوازده دقیقه است
در دیگر جزیره است پینه است که در بحر آنتیک جنوب و وقت طول این جزیره سه ساعت
و عرض دو فرسخ و پهنیست دوره این جزیره از سخت و گوی غیر مرتفع در جزیره است و این
کوه چهار چشمه کوار ای شیرین جاریست و جمعیت این جزیره از سه هزار نفر تجاوز است و قصبه
این جزیره جمیس تون گویند که اطول لیل و ایامش سیزده ساعت و چهار دقیقه است و جزیره
جنوب خط استو است چند جزیره کوچک دیگر است و از امریکای شمالی ملکت کند است
که تخمینا سیصد و پنجاه فرسخ طول و شصت فرسخ عرض دارد و جمعیتش تخمینا هفتصد هزار است
گویی یک پانصد است که اطول لیل و ایامش یازده ساعت و سه ربع است دیگر
نیواکالیند است که طولش تخمینا نود فرسخ است و عرضش پانصد و بیست و شش
دویست و چهار هزار است و پانصد و شصت نفر جمعیت است که جمعیتش سیست هزار است اطول لیل
و ایامش یازده ساعت و یک فرسخ و بیست و یک است که طولش تخمینا هفتاد فرسخ و عرض
پنجاه فرسخ است و جمعیتش تقریباً هشتاد هزار است دیگر جزیره پرت نویس است که طولش

سی فرسخ و عرضش هفت فرسخ است پانچش صربوت تون گویند جمعش چهار است
دیگر جزیره ریانت که طولش هفت فرسخ و عرضش هفت است و در نخست جمعش
زیاده از سیست هزار است دیگر جزیره نیوفونڈلند است که طولش هفت صد و
فرسخ و عرضش هفت فرسخ خوراک غالب اما این جزیره هفت دیگر جزیره است
که اراضی طول و عرضیت و آبادی زیادی ندارد طول ایالت و ایالت هفت
بنفتم میرسد و در هند غرب جزیره جمکاست که جمعیت این جزیره زیاده از
صد هزار است متاعش شکر و روم و پنبه و نخل و شکر و نارنج و لیمو و انار است
دیگر جزیره بلرانت که جمعیتش فرود شرا پارزده هزار است دیگر جزیره بریدون
که جمعیتش زیاده از یکصد و ده هزار است و متاعش مانند جزیره جمکاست طول
چهل فرسخ و عرضش هفت فرسخ دیگر جزیره ایتیکانت که جمعیتش هفت سی هزار است
دیگر جزیره بر بود است که طولش هفت فرسخ و عرضش چهار فرسخ و جمعیتش هزار و
پانصد نفر است دیگر جزیره انکوی لیا و جزیره سنت کرسٹوف و جزیره مونت سیرت

و جزیره یوش و جزیره توباگو و چندین جزیره دیگر است که هر یک بقدر خود جمعیتی دارند
 و منافع ایشان مانند سایر جزایر مذکوره چند نیست در استرال ایلیه جزایر است که در ضمن
 قسمت پنجم ذکر خواهد شد دیگر تصرف نمایند دولت در این جزیره است که در قسمت
 پنجم از تخمینا دویست هزار است و جزیره معروف معورش که فور است و حال
 چهل و شش سال است که تصرف نمایند دولت و جزیره لاطه است که جزیره است در حال
 معموری است فرسخ دوازده است و قلعه بسیار مطبوعی دارد
 دیگر از ممالک اروپا در مملکت دولت استریا که مناسبت کند
 دولت بسیار قدیم و با شوکت و سعادت و دین و نگاه فرسخ طول و یکصد و هفتاد فرسخ تخمینا
 عرض دارد سوای متصرفه مخمومی بر بنوعیت که تقریباً شصت کرد و میشود هفتاد و کرد و بیست
 و منافع دولتی آنها میشود دویست و هفتاد و یک هزار شکر و نوکران کشور است یکصد
 فرزند چهار جنگا دولتی و چهار هزار و پانصد فرزند چهار تجارتی آنهاست دولت و هفتاد
 دو کرد دولت معروض است شهر و بنا با تخت و معتقدند در امور آباد است

بشتاد هزار نفوس در آن ساکنست و اطول لیال و ایامش شانزده ساعت
دیگر از شهرهای این مملکت بزرگ و پورا و پراکو و کزیز و دیگر و دیگر
و کبرت و پادو و میلان و این تو و هرگز نیست و اگرم و کجا و کجاست
لیک و زرد است و رودخانههای بزرگ این مملکت رودخانه الپ و رودخانه
و دیونست و پادشاه این مملکت امیر طو فرسین حیف است مدت عمرش ^{دو} سال
ساست و قریب یازده سالست که بشاهنشاهی این مملکت خصاص موقوفه است ^{طین}
و شاهنشاهان جرمی و استیرا سه نصد و شتاد و چهار هجری و سلطنت
هر یک از این قرار است چار لیکن یازده سال نویس فرانسه است و شش سال
نویس شانزده سال نویس دو سال چار نویس دوم است و یکسال ایام قره سه سال
چار نویس سیم هفت سال از طرف دو از ده سال نویس سیم سیزده سال او پنجاه
کان رود اول هفت سال هجری اول سجده سال او اول سی و هشت سال او دوم
یازده سال او سیم نوزده سال هجری دوم است و سه سال کان رود دوم ^{شانزده} سال

هنری سیم هفته سال هنری چهارم نجاه و دو سال هنری پنجم نوزده سال

نوشتر دوم چهارده سال ایام فخر نجاه کان ریستم چهارده سال

فروردیک سی و نه سال هنری ششم نوزده سال فلیب چند ماه نوچهارم

چهار سال فروردیک دوم سی و نه سال کان روچهارم پنجاه و نهم

سال ایام فتره هجده سال راد انیس که سلسله خانواده استریه است

هجده سال ایام فتره یکسال ادا فتره هفت سال ابرت اول ده

سال هنری سیم نخیال ایام فتره یکسال نویین چهارم و فروردیک سیم ^{سلطنت}

نموده اند شانزده سال نویس بالا افراد هجده سال چابرس چهارم سی و دو

سال ون سن لاکس سبت و سه سال فروردیک چند ماه روبرت ده

سال جابرس یکسال سیچیس موز سبت و هفت سال ابرت دوم

یکسال فروردیک چهارم نجاه و چهار سال کسب سلین اول سبت

هفت سال چابرس پنجم چهل سال فروردیک اول هفت سال

کسی مملکت دوم دوازده سال را و الف دوم بیست و هفت سال است

سیس چهار سال فرزند دوم بیست و دو سال فرزند سیم هفده

لیوپولد اول هفتاد سال جوزف اول شاه چارلس ششم سی سال مریا

دختر چارلس ششم و سال چارلین بیستم سال فرانسوا اول نوزده سال

جوزف دوم چهل و شش سال لیوپولد دوم یکسال فرانسوا دوم چهل و پنج سال

دیگر از مملکت اروپا مملکت دولت پرورش است

از جمله دولتهای وسیع و قوی فرنگستان است که از سنه هزار و صد و سی و سه

سلطنت برقرار شد طول این مملکت دو بیست و پنج فرسخ و عرضش یکصد فرسخ

و جمعیت این ملک بیست و دو است و بیست هزار سی و پنج کور و ایالت

و منافع دولتی ایشانست یکصد و هفتاد و دو قرض دولتی دارند با شصت

بریلیون است که دو بیست هزار جمعیت دارد و ا طول آبام و لیا شس

شانزده ساعت و نیم است شهرهای مشهورش کینی گرن برگ

دینت زیگ استیتن بر سلا میل آیزن برام بیک پادزوم فرنگ فونت
 کولانک کلوسس ننا دسلوارف منیرت میدن تارین مرگ بیک کدی
 از فرشت و رودخانه های بزرگ بیک رودخانه و پس نو پا پر کل میل الب است
 و اکنون پادشاه این مملکت فرزند بیک ولیم چهارم است فریبیت و سه سال
 که بر تخت سلطنت جلوس نموده کثیر العمر است و اولادی ندارد و برادرش
 که آنهم سن شیخوخت است و لیعهد است و سلطانین ضمیمه این مملکت
 مدت سلطنت ایشان از سنه هزار و صد و سی و سه هجری که بمقام
 پادشاهی رسید و اندک ما بحال از قرار تفصیل است
 فرزند بیک اول دوازده سال فرزند بیک ولیم اول
 بیت و بیست سال فرزند بیک دوم بیست و هفت
 فرزند بیک ولیم دوم دوازده سال فرزند بیک
 بیک ولیم سیم بیست و هفت سال دیگر از مملکت

دیگر از ممالک اروپا مملکت و دولت اسپانیا

که اسپانیا بول نیز گویند از ممالک جنوب اروپاست و سعت این مملکت
یکصد و نود فرسخ طول و یکصد و پنجاه فرسخ عرض دارد و سوی تصرفی
خارج به تخمینا ششصد و دو کروز و نفوس است نود هزار لشکر
و از مدیست و نیکو رو رعایات و مدخل ولایتی آنها میشود و دولت و
فروند جهازات دولتی و تجارت آنهاست با پخت این مملکت مدیست
و جمعیت این شهر تخمینا دویست هزار است طول بسیاری و آبش
پازده ساعت است و از شهرهای مشهورش سویل و کدیز و برشلونا
و تولید و برکاتس و سکنجا و سرکوست و دیگر کرناوا
و کارنا و بندر دیگر و طرکونه و ولینیه و کربنجه و ملکا و لیون
و بدجوزا و کار دو هست و رودخانههای معروف این ملک رودخانه
دور و کوردسبه و ابرو و روسینه و نیکوست و این